

تحلیل و رتبه‌بندی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از منظر شاخص‌های اجتماعی با استفاده از تکنیک MABAK (مطالعه موردی: محلات عامری، خزعلیه و حصیرآباد در منطقه ۷ کلانشهر اهواز)

عباس معروف نژاد^۱

چکیده

یکی از مشکلات اساسی در فرایند بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهرهای امروز، عدم توجه به اعمال مفهوم مولفه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های محله است. اهمیت مولفه‌های اجتماعی در فرایند بازآفرینی از آن جهت محسوس است که مداخله در بافت‌های فرسوده در بیشتر موارد در ظرف مکانی محله انجام می‌شود، اما این عنصر معمولاً مغفول باقی می‌ماند. نظر به اهمیت موضوع، این پژوهش به تحلیل عملکرد بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری بر اساس پنج مولفه انتخابی پژوهش (حس تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و ۳۶ متغیر در سه محله‌ی (عامری، خزعلیه و حصیرآباد) منطقه ۷ کلانشهر اهواز پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق، پیمایشی با تاکید بر پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری شامل شهروندان ساکن سه محله و حجم نمونه برحسب فرمول کوکران ۳۷۹ نفر بوده است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمینروف و جهت بررسی وضعیت متغیرهای پژوهش از آزمون علامت ۲، استفاده شده است. همچنین وزن‌دهی متغیرها توسط مدل آنتروپی‌شانون و رتبه‌بندی محلات با استفاده از تکنیک ماباک انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاصل از نتایج آزمون علامت نشان می‌دهد: محله عامری با میانگین ضریب تاثیر ۳/۱۶ در مجموع پنج مولفه‌ی انتخابی پژوهش به نسبت دو محله‌ی دیگر بیشتر بوده است. همچنین نتایج حاصل از رتبه‌بندی مولفه‌های اجتماعی انتخاب شده پژوهش در محلات سه‌گانه با استفاده از تکنیک ماباک، نشان می‌دهد محله عامری با مقدار Si (مقدار تاثیرگذاری مولفه و شاخص‌ها) ۰/۲۶ در رتبه اول و به ترتیب محله خزعلیه ۰/۰۷۹ و محله حصیرآباد با ۰/۱۶۴- در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده و ناکارآمد، منظر اجتماعی، تکنیک ماباک، محلات شهری، منطقه ۷ کلانشهر اهواز.

مقدمه

آنچه که امروزه تحت عنوان بافت‌های ناکارآمد مورد مطالعه اندیشمندان علوم شهری است در واقع محصول فرایندهای متعددی است که در قالب فرم فرسوده تکوین یافته است. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، بافت‌های هستند که در فرایند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته‌اند و امروزه در محاصره‌ی تکنولوژی عصر حاضر گرفتار شده‌اند. اگر چه این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله مراتبی بوده‌اند ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی می‌باشند و آن‌گونه که می‌باید پاسخ‌گوی نیازهای ساکنین خود نیستند. مجموعه شرایط فوق‌مبین ناپایداری این بافت‌ها در ابعاد مختلف بوده و در تعارض با پایداری و اهداف توسعه‌ی پایدار قرار دارد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۹). بافت‌های فرسوده شهری علاوه بر ایجاد محیط فیزیکی ناخوشایند،

^۱ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران (نویسنده مسئول)

فضای اجتماعی ناپایداری نیز به وجود آورده است. فضایی که مستعد وقوع ناپهنجاری‌های اجتماعی است. که ابتدا ساکنین محدوده و سپس سایر مناطق شهر در معرض خطر آن قرار دارند. وجود نسل دوم ساکنین در این محلات موضوع مهمی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. چرا که نسل دوم به مراتب توقعاتی فراتر از والدین خویش دارد. اگر برای نسل اول پذیرفته‌شدن و رسمیت‌یافتن در محیط شهر کافی بود، برای نسل دوم زندگی در محلات اعیان‌نشین و درجه یک حق طبیعی تلقی می‌شود و برای رسیدن به این مهم از انجام هیچ کاری فروگذار نخواهند بود. عمدتاً به همین علت، خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و... از عمده مسایل اجتماعی بافت فرسوده شهرهای امروزی است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴). گرایش برنامه‌ریزان شهری به مداخلاتی در بافت‌های فرسوده که هم در تعریف فرسودگی و هم رفع آن معیارهای اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند، گسترش یافته است. این گرایش‌ها که با عناوینی چون رویکردهای مشارکتی، محله محور، پایداری اجتماعی و... در ادبیات نوسازی شهری مورد اشاره قرار می‌گیرند، سابقه‌ی چندانی در کشور ما ندارند و طی سال‌های اخیر در دستور کار نهادهای متولی امر نوسازی و به طور خاص نوسازی شهر تهران قرار گرفته است (پاک‌سرشت و رضایی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

مطلوبیت فضایی بافت‌های فرسوده شهری معلول عوامل مختلفی است که تحت عاملیت کنشگران متفاوت مربوط به فرآیند بهسازی و نوسازی و در بستر شرایط مکانی - زمانی موجودیت می‌یابد (نخعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷). شهر و شهروند امروزی (در قرن ۲۱)؛ مسایلی همچون: آلودگی محیطی، کاهش منابع، انقراض گونه‌ها، شکاف عمیق بین فقیر و غنی، جرم، فقر، بی‌مسکنی، بدمسکنی و... را تجربه می‌کند که قبل از این با آن روبرو نبوده است. از سوی دیگر جستجو برای یافتن شهری ایده‌آل، یعنی آن شکل از شهر که بتواند هم امتیازات تکنولوژیک و هم روحیه سالم زندگی را بر اساس ایده‌های روشنگرانه عدالت اجتماعی بیان کند؛ یکی از دل‌مشغولی‌های بسیاری از صاحب نظران شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). فرسودگی یکی از مهمترین مسائل مربوط به فضای شهری می‌باشد که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی آن می‌شود، فرسودگی عاملی است که به زدودن مخاطرات جمعی و افول حیات شهری کمک می‌کند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۶). طی حدود سه دهه نظریه‌پردازی و اجرای رویکرد بازآفرینی شهری سیر تکامل بازآفرینی شهری از حوزه‌ی توجه به کالبد، به عرصه‌ی تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر یافته است و منجر به ظهور بازآفرینی شهری اجتماع محور گردیده است. این رویکرد، در پی تعامل اجتماعی و تأکید بر نقش گروه‌های اجتماعی بوده‌اند. از طرفی با توجه به نتایج اقدامات بازآفرینی شهری در نقاط مختلف جهان، اعتماد و مشارکت شهروندان، به‌عنوان مؤلفه‌ی اثربخش در موفقیت پروژه‌های بازآفرینی، امری خودجوش نخواهد بود و مستلزم دخالت عوامل متعدد است و این آن چیزی است که مسایل اجتماعی با حضور در فرآیند بازآفرینی قادر به تأمین آن است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰). این در حالی است که با رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، بافت‌های جدید شهر با شاخص‌های مدرن شکل گرفته و روزبه‌روز به حجم و اهمیت آنها افزوده می‌شود. به‌خصوص امروزه با تغییر شیوه‌ی زیستن افراد، حضور عناصر زندگی مدرن و سبک زندگی شهرنشینی، این مسئله اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد (نیازی و روحی، ۱۳۹۵: ۲۷). در حال حاضر بیش از ۲۵ درصد جمعیت ایران در محدوده بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری سکونت دارند که این حکایت از اهمیت موضوع برنامه‌ریزی برای این محدوده‌ها را دارد. در این میان بخشی از بافت‌های شهری متأثر از شهرنشینی شتابان دهه‌های اخیر است که بدون توجه به معیارهای شهرسازی و معماری در جهت خلاف واحدهای زیستی پدید آمده و چهره‌ی بی‌هویت برای شهرها داشته است. این نوع بافت‌های میانی که عمدتاً در شهرهای بزرگ کشور رخساره یافته‌اند به لحاظ موقعیت استقرار، پیرامون بافت‌های تاریخی ایجاد شده‌اند. اقداماتی که تا به حال برای این نوع بافت‌ها انجام شده (مداخلات مستقیم دولت و شهرداری‌ها)، عمدتاً به جابه‌جایی جمعیت انجامیده است. این درحالی است که تحقق ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری بدون حضور و مشارکت همه‌ی کنشگران این عرصه؛ مردم، مدیریت شهری و دولت به ویژه نهادهای متولی در زیرساخت‌ها و بخش خصوصی دست‌یافتنی نیست (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۹).

کلانشهر اهواز با مساحت ۳۱۸۰۰ هکتار، به‌عنوان سومین شهر وسیع کشور، دارای بافت فرسوده و ناکارآمد متعدد در مناطق هشتمین شهر می‌باشد. در کلانشهر اهواز ۳۰ تا ۳۵ درصد از محدوده شهر، در محدوده‌های قانونی و تحت عنوان بافت‌های فرسوده و ناکارآمد



سکونت‌گاه‌های غیرمجاز شناخته شده است (امانپور و سجادی نیکو، ۱۳۹۶: ۶۱). از این‌رو باتوجه به این مسئله‌ی مهم، ضرورت انتخاب پژوهش و اهمیت بررسی آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و منطقه مورد مطالعه در محلات: عامری، خزعلیه و حصیرآباد به‌عنوان بخشی از بافت فرسوده انتخاب گردید. که با مسایل خاصی همچون: فضای کالبدی نامتعارف و ساخت و سازهای‌های کم‌دوام و بی‌ضابطه و مشکلات اقتصادی (گسترده‌ی خانوارهای بی‌بضاعت و نبود اشتغال و تراکم جمعیتی بالا و...) و همچنین مسایل سوءاجتماعی (اعتیاد، فقر، بزه‌کاری و...) مواجه هستند. از نظر توزیع و پراکندگی این محلات در منطقه هفت شهری کلانشهر اهواز قرار دارند. ذکر این نکته ضروری است که تنها بخشی از بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر اهواز در این سه محله قرار گرفته‌اند. ولی وجود محدوده هسته‌ی اولیه شهر اهواز و قدمت و سابقه‌ی فضای فرهنگی و کالبدی آن به‌ویژه در دو محله خزعلیه و عامری انگیزه‌های بیشتری در انجام این پژوهش را به‌وجود آورده است.

پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع نشان می‌دهند در بررسی ابعاد اجتماعی برای توانمندسازی بافت فرسوده شهری، زمینه‌های توانمندسازی ساکنان محله با برقراری تعامل در جهت مشارکت فعال مردم و آگاهی از وضعیت محله و رفع مشکلات آن‌ها (اجتماعی و امنیتی و کالبدی و...) و برنامه‌ریزی برای خارج ساختن محله از فرسودگی و مسایل ناشی از آن بسیار حائز اهمیت است (موحد و مسعودی‌راد، ۱۳۸۷: ۱). ورود افراد به حوزه مشارکت اجتماعی برای رسیدن به اهداف توسعه، نیازمند وجود عناصر و عوامل مختلفی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف، برخورداری از فرهنگ متعالی و اعتقاد به توسعه را نام برد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

حیدری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به پایش زیست‌پذیری اجتماعی در مناطق فرسوده شهری با رویکرد آینده پژوهی در بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان پرداخته‌اند. طبق تحلیل رویکرد آینده پژوهی؛ شاخص‌های: فساد اجتماعی، رضایت از مطلوبیت فضا برای حضور سالمندان، نبود پایه‌های رسمی جهت عضویت در نهادهای مردمی، نظارت غیررسمی در شب از طریق تنوع کاربری‌ها بیشترین ناپایداری را داشته و برای بهبود وضعیت زیست‌پذیری اجتماعی باید تقویت زیرساخت‌های آموزش عمومی، افزایش سرانه کاربری‌های تفریحی، تقویت امنیت فردی و اجتماعی مورد برنامه‌ریزی قرار گیرد. مشکینی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تحلیل شاخص‌های ذهنی کیفیت محیط در بافت‌های فرسوده شهری در محله آبکوه مشهد پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از رضایت‌مندی پایین ساکنان از کیفیت محیط در محدوده مورد مطالعه و تاثیرات ناشی از ویژگی‌های فردی در ادراک رضایت‌مندی و یا نارضایتی آنان می‌باشد. ویژگی‌های فردی نقش موثری در نحوه نگرش و ادراک ساکنان به مقوله کیفیت محیط را دارد و متغیرهای سن، مدت زمان محل سکونت و سطح تحصیلات، بیشترین ارتباط را با ادراک افراد از کیفیت محیط محله خود دارا می‌باشند. آلبوغیبش و شویچی (۱۳۹۳) در پژوهشی در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در محله جوادیه شهر تهران مطالعاتی انجام شده است که تاکید بر مشارکت مردم در راستای ایفای نقش مناسب آن‌ها در ساماندهی بافت و بهره‌گیری از دسترسی مناسب و سرمایه‌گذاری در آن می‌تواند در راستای احیای قیمت واقعی زمین گام بردارد. شیری و معروف‌نژاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: بررسی منظر اجتماعی بافت‌های ناکارآمد شهری در کوی نهضت‌آباد کلانشهر اهواز به مطالعاتی پرداخته‌اند که نتایج نشان می‌دهد مؤلفه‌ی توانمندسازی ساکنان و افزایش کیفیت زندگی آن‌ها (عدم میزان رضایت از امنیت اجتماعی محله و عدم میزان رضایت از امکانات محله) به تشدید ناکارآمدی بافت افزوده و بی‌انگیزه شدن ساکنان را در احیاء آن سبب شده است. میرنجف موسوی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده در شهر سردشت پرداخته که در قالب الگوی نوسازی و بهسازی بافت فرسوده، با دیدگاه اجتماعی به برقراری رابطه معنادار بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری اشاره کرده و دلیل عدم نوسازی و بهسازی بافت فرسوده در شهر سردشت را عدم درک صحیح روابط خانوادگی و دوستان با مقوله نوسازی و بهسازی محلات دانسته است.

در کنار این مطالعات، پژوهشگران زیادی به ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیستی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد پرداخته و نگاه به رویکرد یک بازآفرینی شهری را مبتنی بر توجه به مسایل اجتماعی و تقویت عوامل و دلایل آن دانسته‌اند (خزایی و رضویان، ۱۳۹۸؛ هدایتی‌مرزبانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین از مطالعات خارجی

می‌توان به پژوهش: برتولینی^۱ (۲۰۰۵) با عنوان: پویایی در پایداری شهری اشاره کرد که رویکرد نوسازی و بازآفرینی شیوهی مداخله در بافت‌های فرسوده را فن‌سالار، اقتداری و از بالا به پایین، با نگرش غیرمشارکتی و اجباری برنامه‌ریزان به مداخله و جابه‌جایی دانسته و بالطبع هزینه‌های اجتماعی مداخله با امکان متوسط یا کم مشارکت شهروندان و سرمایه‌گذار بوده است. آلکو و گبادگزی^۲ (۲۰۱۰) همچنین در تحقیق دیگری در ارتباط با برنامه نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد توسعه پایدار در نیجریه و مسایل و چالش‌های آن، اشاره کرده است که شهرهای بزرگ با معضل سقوط میراث اجتماعی و فرهنگی و ریشه‌های خود به‌عنوان یک بحران هویت مواجه هستند. بنابراین تجدید حیات مراکز شهر، خواستار بازگرداندن نشاط به مراکز شهری به معنای طراحی مراکز جذب است. با این حال به منظور حصول اطمینان از توسعه پایدار شهری، مهم آن است که توجه به آموزش مناسب و روشنگری و مشارکت مردم در اولویت قرارگیرد. ادموند^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رویکرد بازآفرینی شهری در کشور هنگ‌کنگ پرداخته است. او با استفاده از تجارب کشورهای موفق در این زمینه مانند: آمریکا، انگلیس به دنبال پیاده‌سازی روش اجرایی برای بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد در این کشور بوده است. در ارزیابی متغیرهای تطبیقی این تحقیق می‌توان به پنج متغیر: نقش و عملکرد دولت، تعداد سیستم برنامه‌ریزی، میزان توسعه مجدد شهری، میزان مشارکت عمومی و مقایسه ساختار نهادی برنامه‌ریزی اشاره کرد. نتایج تحقیق، نشان داد که در کشور هنگ‌کنگ وضعیت و نگاه برنامه‌ریزی در حوزه بافت‌های ناکارآمد شهری به صورت متمرکز و از بالا به پایین بوده و تناسبی در ارکان و ساختار برنامه‌ریزی برای نوسازی این محدوده‌ها وجود ندارد از همه مهم‌تر میزان مشارکت عمومی نیز بسیار پایین است.

بائه و کیم^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی دیگر در زمینه نوسازی شهری در کره جنوبی پیگیری همزمان منافع، بخش عمومی و خصوصی و دوره‌ی طولانی مدت پروژه و توجه به خواسته‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان بافت‌های ناکارآمد و کم‌برخوردار از جمله عوامل حیاتی موفقیت احیاء این بافت‌ها بوده است. کیم^۵ (۲۰۱۵) در تحقیق دیگری به بازآفرینی شهری با استفاده از هنر در دهکده ساملی در کره جنوبی پرداخته است. در این روستای قدیمی که از نظر وضعیت کالبدی بناهای آن فرسوده بوده‌اند با استفاده از نقش مشارکت و همیاری ساکنان تغییر کاربری تعدادی از بناها صورت گرفته و همچنین با احداث نمایشگاه و موزه و... باعث افزایش توجه جمعیت بازدیدکنندگان و رونق اقتصادی و اجتماعی به آن‌جا گردید.

خلاء پژوهش حاضر این است که تاکنون به صورت مستقل پژوهشی که از نظر استفاده از شاخص‌های انتخابی پژوهش در موضوع مورد بحث و همچنین مدل/ تکنیک مورد بررسی برای ارزیابی آن شاخص‌ها به کار گرفته شده باشد از دیدگاه جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان شهری صورت نگرفته و یا کمتر مشاهده شده است. همچنین آنچه که می‌توان در این تحقیق به‌عنوان مسأله اصلی در مقایسه با تحقیقات پیشین اشاره کرد، تاثیرگذاری شاخص مهم امنیت اجتماعی در مورد این محلات به صورت خاص و در این موقعیت زمانی می‌باشد. چرا که در اکثریت مقالات کلیه شاخص‌های اجتماعی در روند احیا موثر ارزیابی شده‌اند، اما با توجه به موقعیت محلات مورد مطالعه و مسایل متعدد اجتماعی آن‌ها (اعتیاد، فقر، بزه‌کاری، مهاجرت‌پذیری، فاصله طبقاتی، سواد پایین و تراکم جمعیت و...) می‌تواند نقش مهمی در احیا مبتنی بر مسایل اجتماعی ایفا کند کمرنگ شده است و در ارزیابی‌های کمی تاثیرگذاری پایینی برای آن گزارش شده است. در حقیقت این پژوهش نظاره‌گر این موضوع است که قابلیت اثرگذاری هر یک از عوامل یادشده با توجه به ظرف و

¹ Bertolini

² Aluko and Gbadegesin

³ Edmond

⁴ Bae and Kim

⁵ Kim



مکان متغیر و قابل تغییر و حتی حذف شدنی می‌باشد سوال و بحث اصلی در این پژوهش؛ ارزیابی مطلوبیت مولفه‌های اجتماعی با توجه به شاخص‌های انتخابی پژوهش در سه محله مورد مطالعه چگونه و جایگاه هر کدام از شاخص‌ها بر اساس نتایج آزمون و تکنیک مورد استفاده به چه میزان بوده است؟ برای بررسی دقیق این سوال، فرضی مطرح شده است که به نظر می‌رسد ارزیابی ساکنان از وضعیت شاخص‌های مورد بررسی در محله عامری به‌عنوان قدیمی -ترین محله کلانشهر اهواز نسبت دو محله‌ی دیگر از حیث عملکرد و جایگاه مناسب‌تر است.

مبانی نظری

رویکرد بازآفرینی شهری^۱

در ادبیات اخیر دنیا، واژه «بازآفرینی شهری»، به عنوان یک واژه‌ی عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی را در بر می‌گیرد، به کار می‌رود. بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام، فضای شهری جدیدی حادث می‌شوند که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند. بازآفرینی (معاصرسازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره‌ی روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به‌جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی در فرایند بازآفرینی و غیره مشهود می‌باشد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴).

مفهوم بافت^۲

مراد از بافت (بافت شهری) گستره‌ای هم پیوند است که با ریخت‌شناسی‌های متفاوت طی دوران حیات شهری در داخل محدوده شهر و یا حاشیه آن در تداوم و پیوند با شهر شکل گرفته باشد. این گستره می‌تواند از بناها، مجموعه‌ها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آنها باشد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۶: ۶۱).

مفهوم بافت‌های فرسوده و ناکارآمد^۳

بافت‌های فرسوده و ناکارآمد به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات و خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند؛ بافت‌های کم برخوردار به‌سبب فرسودگی در کلیت با یکدیگر ویژگی‌های مشترکی دارند (Wang et al, 2011: 102).

بافت‌های مختلف شهری از منظر کیفی

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان بافت‌های مختلف شهری را از نظری کیفی به چند دسته اصلی تقسیم نمود: ۱. بافت‌های قدیم و واجد ارزش تاریخی که معمولاً عمری بیش از ۸۰ سال دارند. ۲. بافت‌های کم برخوردار که فرسوده شده و فرسودگی آنها یا از بابت کالبد است و یا از بابت فعالیت و بخش‌های قابل توجهی از شهرها با عمری بیش از ۳۰ سال را شامل می‌شود. به‌سبب عوامل مؤثر در فرسوده بودن دارای ماهیت‌های متفاوت می‌باشند. این بافت‌ها را در چهار گروه؛ بافت‌های دارای میراث شهری، بافت‌های فاقد میراث شهری، بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه غیررسمی)، بافت‌های روستا شهری (این بافت‌ها در اثر گسترش شهرها و پیوستگی کالبدی روستاهای اطراف شهر به محدوده شهری ایجاد می‌شوند. ۳. بافت‌های حاشیه‌ای یا غیررسمی نوع دیگری از بافت‌ها هستند که به صورت

¹ Urban Regeneration Approach

² Context

³ Dysfunctional Texture and underprivileg

خودجوش ساخته شده‌اند و بخشی از شهرهای عمدتاً بزرگ و یا شهرها میانی بسیار مهاجرپذیر را تشکیل می‌دهند. با گسترش شهرها این نواحی درون مناطق شهری قرار می‌گیرند. به طور کلی این بافت‌ها از ارزش‌های تاریخی و شهرسازی بی‌بهره‌اند. بافت‌های جدید شهری که حصول دهه‌های اخیر (کمتر از ۳۰ سال) بوده و در آینده‌های نه چندان دور به تدریج به بافت‌های فرسوده خواهند پیوست (رضایی و مظلومی، ۱۳۹۸: ۵۴).

مفهوم مؤلفه‌های اجتماعی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد

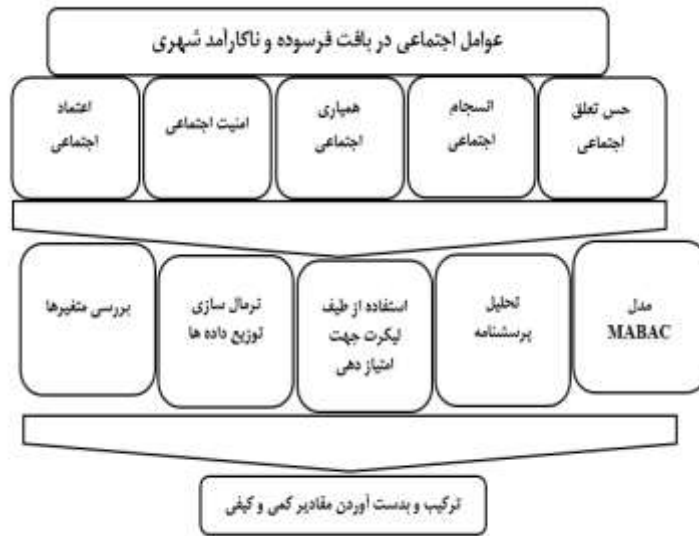
از جمله علمی که به این مفهوم توجه ویژه‌ای داشته است، برنامه‌ریزی شهری است که با درک اثرات سرمایه اجتماعی در بین شهروندان هرروز بر دامنه استفاده از آن افزوده می‌شود. بحث بر سر ارائه تعریفی واحد از مؤلفه‌های اجتماعی به نتیجه نرسیده است اما یکی از تعاریف مطرح در زمینه سرمایه اجتماعی، آن را شامل مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و در نتیجه سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات را کاهش می‌دهد. برای بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی، شاخص‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که از جمله آنها اعتماد اجتماعی، مشارکت، انسجام و همبستگی، آگاهی و روابط اجتماعی است (آقای زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۰). پیامدهای ناشی از توجه به نقش مؤلفه‌های اجتماعی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهرها می‌تواند در ارتقای شأن سکونتی بافت، اعتمادسازی متقابل بین ساکنان و متولیان امر، تأمین حق امنیت سکونت، مشارکت ساکنان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، ایجاد مراکز فعال برای افزایش تعاملات اجتماعی، کاهش بیکاری و جرم، تشکیل سازمان‌های غیردولتی داوطلبانه (NGO) برای حمایت از فرایند توسعه، توجه خاص به گروه‌های آسیب‌پذیر به ویژه زنان و جوانان و پرورش قابلیت‌های متناسب با توانایی، مهارت و دانش تاثیرگذار باشد (رزاقی اصل و خوشقدم، ۱۳۹۶: ۶۵). بدین ترتیب این بافت‌ها نیازمند طرح استراتژی‌های بنیادین جهت تغییرات اساسی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی هستند. تغییراتی که اغلب در بلندمدت و با صرف هزینه‌های گزاف جهت رفع مشکلات فوق از سوی نهادهای عمومی با تأکید بر سه عامل شامل آموزش^۲، اجرا^۳ و مهندسی^۴ و در نظر گرفتن نیازهای خاص ساکنان به منظور تعیین اهداف و ارزیابی تغییرات صورت می‌گیرد (Wang et al, 2011: 103). نگاه‌ها و رویکردها به بافت‌های قدیمی در سطح جهانی و در طی دهه‌های متممادی به لحاظ کالبدی از نگاه به تک ساختمان‌ها و یادگارهای میراثی به نگاه به کل بافت معطوف شده و همزمان با این تغییر نگاه از لحاظ کالبدی، رویکردهای برنامه‌ریزی و مدیریتی برای نوسازی و بهسازی آنها نیز تغییر یافته و از رویکردهای اقتدارگرا و اقدامی یک‌سویه و از بالا به پایین به سمت اقدامی چند سویه، با مشارکت محلی، پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان یک ارزش و تسهیل‌کنندگی بیشتر در بافت گرایش پیدا کرده است (شیری و معروف نژاد، ۱۳۹۷: ۲۴۲). در شکل (۱) مراحل انجام این تحقیق اشاره شده است.

¹ Non Governmental Organization

² Education

³ Enforcement

⁴ Engineering



شکل (۱). نمودار مراحل انجام پژوهش

منبع: نگارنده

داده‌ها و روش‌ها

روش‌شناسی این پژوهش، از نظر هدف کاربردی است و بر اساس روش تحقیق پیمایشی با تاکید بر پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری آن ۳۷۹ نفر از شهروندان ۱ سه محله مورد مطالعه بوده است. بسته به نوع جامعه آماری می‌توان از روش‌های مختلفی برای نمونه‌گیری استفاده کرد؛ در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. همچنین جهت تعیین اعتبار پرسشنامه، با بهره‌گیری از روش دلفی از نظر تعدادی از متخصصان و اساتید دانشگاه استفاده و با کسب نظرات افراد یاد شده، اصلاحات لازم در سوالات پرسشنامه به عمل آمد و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان متغیرهای مورد نظر پژوهش را می‌سنجند. در زمینه تعریف متغیرها (گویه‌ها) برای مفهوم عملکرد اجتماعی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در پرسشنامه از پنج مؤلفه (حس تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و همچنین ۳۶ گویه استفاده شده است. که اطلاعات حاصل به شرح جدول (۱) می‌باشد. برای بیان پایایی از ضریب آلفای کرونباخ با ارزش عددی $0/65$ بهره گرفته شده است. (جدول ۲). برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و... در بخش آمار استنباطی نیز برای تبدیل کردن متغیرهای پژوهش به متغیرهای شبه فاصله‌ای (محاسبه میزان اهمیت یا رضایت و یا وجود هر ویژگی) از طیف لیکرت (گزینه خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، خیلی کم = ۱) بهره گرفته شده است. با توجه به آن که میانگین امتیاز هر پرسش عددی بین (۱) تا (۵) می‌باشد. این معیار برای سنجش اهمیت پرسش‌ها یا گزینه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. سپس بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه و مشاهدات میدانی به تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS پرداخته شد. بدین منظور در نرم‌افزار SPSS برای نرمال بودن توزیع داده‌ها و وضعیت مؤلفه‌های پژوهش از آزمون کلموگروف اسمیرنوف^{۱۲} و آزمون علامت و همچنین برای وزن‌دهی شاخص‌ها و رتبه‌بندی محلات از مدل آنتروپی‌شانون^۳ و تکنیک ماباک^۴ استفاده شده است.

^۱ جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و همچنین برای توزیع پرسشنامه ملاک از نظر تعداد جمعیت هر محله انتخاب و دسته بندی لازم انجام گردید (به سه دسته محلات کوچک، متوسط و بزرگ) بدین ترتیب ۴۵ درصد پرسشنامه‌ها در محله حصرآباد، ۳۵ درصد پرسشنامه‌ها در محله عامری، ۲۰ درصد در محله خزعلیه اختصاص داده شد.

^۲ Kolmogorov-Smirnov

جدول (۱). مولفه‌ها و شاخص‌های مورد ارزیابی در پژوهش

مؤلفه	شاخص
حس تعلق اجتماعی	وضعیت علاقمندی به زندگی در محله، وضعیت توجه به مسایل محله، وضعیت رفتار ساکنان در محله (فردی و اجتماعی)، وضعیت توجه به عناصر هویتی محله (مدرسه، مسجد، میدان و...)
انسجام اجتماعی	وضعیت ارتباط و تعامل همسایگان با یکدیگر، وضعیت صمیمیت همسایگان محله، وضعیت اهمیت قائل شدن برای حل مشکلات یکدیگر، وضعیت شرکت در مراسم مختلف همسایگان (جشن، عزا و...)، وضعیت وساطت ساکنان محله برای حل اختلافات و درگیری‌های احتمالی در محله
همیاری اجتماعی	وضعیت نهادهای خدماتی در حل مشکلات محله، وضعیت همیاری و همکاری ساکنان در حل مشکلات محله، وضعیت اعتقاد به حصول نتیجه به کار گروهی نسبت به کارهای فردی برای حل مشکلات محله، وضعیت کمک دادن فکری همسایگان به یکدیگر، وضعیت کمک کردن مالی همسایگان به یکدیگر، وضعیت مشارکت مالی در ساخت تاسیسات و تجهیزات برای محله (مدرسه، درمانگاه، مسجد و...)، وضعیت مشارکت و تعامل خیرین به محله
امنیت اجتماعی	وضعیت برخورد با افراد معاند، شرور، بزهکار و... در محله، وضعیت امنیت از حضور در پارک‌های محله، وضعیت امنیت از پارک کردن اتومبیل در محله، وضعیت امنیت از خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز، وضعیت امنیت در مسیرهای خلوت محله به ویژه شب‌ها، وضعیت امنیت از به همراه داشتن وجه نقد یا وسایل قیمتی در محله، وضعیت روشنایی معابر، وضعیت امنیت از رفت و آمد همسایگان به منزل یکدیگر، وضعیت امنیت کودکان و نوجوانان در هنگام بازی کردن در محله، وضعیت سپردن منزل به همسایگان و اقوام در هنگام مسافرت‌های طولانی مدت، وضعیت برقراری امنیت محله توسط نیروهای انتظامی
اعتماد اجتماعی	وضعیت اعتماد به همسایگان، وضعیت پابندی مردم محله به قوانین، وضعیت رضایت مردم محله از مسئولان شهری، وضعیت اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک، وضعیت یکی بودن ظاهر و باطن همسایگان، وضعیت پابندی همسایگان به قول و قرارهای خود، وضعیت انصاف و امانتداری همسایگان، وضعیت راستگویی و صداقت همسایگان، وضعیت مسئولیت‌پذیری مسئولین شهری در حل مشکلات

منبع: نگارنده، ۱۳۹۸ با اقتباس از شیرینی و معروف‌نژاد، ۱۳۹۷؛ شیخ‌بیگلر، ۱۳۹۶؛ شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱

جدول (۲). میزان پایایی سازه‌های تحقیق

شاخص‌ها					تعداد متغیر
اعتماد اجتماعی	امنیت اجتماعی	همیاری اجتماعی	انسجام اجتماعی	حس تعلق اجتماعی	
۹	۱۱	۷	۵	۴	میزان آلفا (شهروندان)
۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۶۱	۰/۷۱	۰/۶۶	

روش ماباک

روش ماباک از جدیدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است که جهت رتبه‌بندی گزینه‌ها در مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره استفاده می‌شود. این روش اولین بار توسط دراگان پاموکار^۱ و گوران سیروویچ^۲ در سال ۲۰۱۵ میلادی مطرح و ارائه شده است. این

³ Shannon Entropy

⁴ Mabac

¹ Dragan Pamucar

² Goran Cirovic



روش، برای ارزیابی ارزش هر دو معیار کمینه و بیشینه به کار می‌رود و تأثیر معیارهای کمینه و بیشینه روی ارزیابی نتایج، به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شود. برای پیاده‌سازی روش ماباک، ضرورت دارد مراحل مختلف به مرحله انجام برسد. در مرحله نخست، باید وزن معیارها، تعیین شود. برای پیاده‌سازی این روش، ضرورت دارد که ابتدا مقادیر هر گزینه به ازای هر معیار، استخراج گردد. سپس با نرمال سازی مقادیر ماتریس، وزن و ارزش معیارها حاصل می‌شود.

مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم؛ تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس m گزینه‌ها و n شاخص تعیین می‌گردد. تشکیل ماتریس داده‌ها به ابعاد $m \times n$ ، به صورتیکه m تعداد سطرهای ماتریس نشان‌دهنده‌ی سه محله مورد بررسی (خزعلیه، عامری و حصیرآباد) و n ستون‌های آن که پنج شاخص در ارتباط با مؤلفه‌های اجتماعی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد انتخاب شده است (۱. حس تعلق اجتماعی، ۲. انسجام اجتماعی، ۳. همیاری اجتماعی، ۴. امنیت اجتماعی، ۵. اعتماد اجتماعی). سه محله شهری مورد نظر و شاخص‌های هر کدام از آن‌ها به صورت زیر تعریف می‌شوند (رابطه ۱).

$$X = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ x_{m1} & x_{m2} & \dots & x_{mn} \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۱)}$$

مرحله دوم: نرمال سازی عناصر ماتریس؛ در این مرحله با توجه به داده‌های ماتریس تصمیم‌گیری، نرمال سازی آن‌ها محاسبه می‌شود. عناصر ماتریس نرمال (N) با استفاده از رابطه (۲) مشخص می‌شوند:

$$\text{رابطه (۲)} \quad N = \begin{matrix} & C_1 & C_2 & \dots & C_n \\ \begin{matrix} A_1 \\ A_2 \\ \dots \\ A_m \end{matrix} & \begin{bmatrix} t_{11} & t_{12} & t_{1n} \\ t_{21} & t_{22} & t_{2n} \\ \dots & \dots & \dots \\ t_{m1} & t_{m2} & t_{mn} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

مرحله سوم: تشکیل ماتریس تصمیم موزون؛ در این مرحله وزن معیارها (N) باید محاسبه گردد. برای این منظور از روش آنتروپی برای وزن معیارها استفاده شده است. با در دست داشتن اوزان معیارها با رابطه (۳ و ۴) ماتریس تصمیم نرمال موزون را تشکیل می‌گردد.

$$v_{ij} = W_j * (n_{ij} + 1)$$

رابطه (۳)

$$\text{رابطه (۴)} \quad V = \begin{bmatrix} v_{11} & v_{12} & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & v_{2n} \\ \dots & \dots & \dots \\ v_{m1} & v_{m2} & v_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله چهارم: تعیین ماتریس محدوده تقریبی (G)؛ برای تعیین مرز هر معیار (پنج مؤلفه پژوهش) باید میانگین هندسی مقادیر هر معیار محاسبه شود که از طریق رابطه (۵) زیر بدست می‌آید. جایی که v_{ij} عناصر ماتریس وزنی (V) را نشان می‌دهد، m تعداد کل گزینه‌های جایگزین را نشان می‌دهد، n تعداد کل معیارهایی را که گزینه‌های ارائه شده برای آنها انتخاب می‌شود را نشان می‌دهد.

$$g_i = \Pi (v_{ij})$$

رابطه (۵)

مرحله پنجم: محاسبه فاصله گزینه‌ها تا مرز ناحیه شباهت؛ در این مرحله از روش ماباک، با استفاده از رابطه (۶)، فاصله گزینه‌ها تا مرز ناحیه شباهت محاسبه می‌شود.

$$Q = V - G : \begin{matrix} \dots & v_{12} & v_{1n} \\ \text{رابطه (۶)} & v_{22} & v_{2n} \\ & \vdots & \vdots \\ & v_{m1} & v_{mn} \end{matrix} - [g_1 \ g_2 \ \dots \ g_n]$$

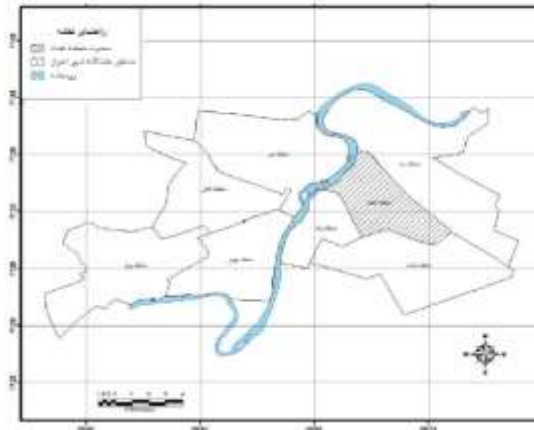
مرحله ششم: انتخاب گزینه بهینه؛ در روش ماباک، با استفاده از رابطه (۷) امتیاز نهایی هر گزینه را مشخص کرده و بر اساس آن گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند.

$$S_i = \sum(q_{ij}) ; i=1,2,\dots,n ; j= 1,2,\dots,m$$

رابطه (۷)

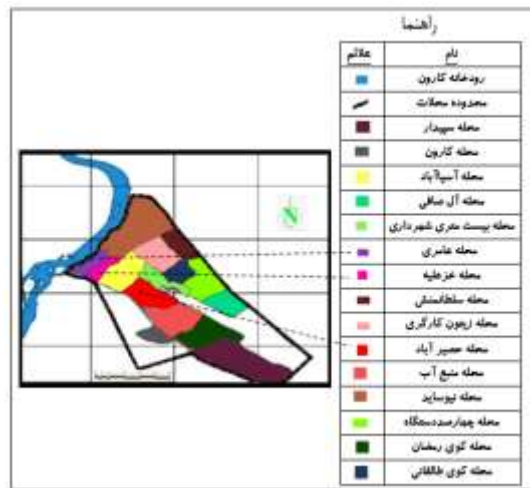
محاسبه مقادیر توابع معیار توسط گزینه‌ها به عنوان مجموع فاصله‌های جایگزین از مناطق تقریبی مرزی q_i بدست می‌آید. با جمع کردن عناصر ماتریس Q در هر سطر، مقادیر نهایی تابع معیار گزینه‌ها بدست می‌آید. در این رابطه n تعداد معیارها را نشان می‌دهد و m تعداد گزینه است.

کلانشهر اهواز با مساحت ۳۱۸۰۰ هکتار دارای ۸ منطقه شهری می‌باشد (شکل ۲). محلات مورد مطالعه در این پژوهش در منطقه هفت شهری قرار گرفته‌اند. دو محله عامری با جمعیت ۴۴۹۴ نفر و مساحت ۳۷/۱ هکتار و تراکم ناخالص ۱۲۱ نفر در هکتار و خزعلیه با ۳۹۹۳ نفر جمعیت و مساحت ۳۰ هکتار و تراکم ناخالص ۱۳۳/۱ نفر در هکتار جزء هسته‌های اولیه شهر اهواز به شمار می‌روند. مجموع مساحت بافت فرسوده در این دو محله ۵۵/۹۲ هکتار برآورد شده است. از نظر تنوع فرهنگی و قومی بیشترین جمعیت این دو محله را اقوام عرب زبان به خود اختصاص داده ولی به دلیل همجواری با رودخانه کارون بخشی از قوم صابئین مندایی هم نیز وجود دارند. محله عامری از شمال به محله نیوساید و از غرب به رودخانه کارون و از جنوب به محلات سی‌متری و باغ‌معین و از شرق به محله خزعلیه محدود می‌گردد. محله خزعلیه از شمال به محله نیوساید و از شرق به محله آسیاب‌آباد و از غرب به محله عامری و از جنوب به محلات سی‌متری و باغ‌معین منتهی می‌گردد. محله حصیرآباد با جمعیت ۲۱۳۶۵ نفر و مساحت ۷۹ هکتار و تراکم ناخالص ۲۷۰ نفر در هکتار یکی از محلات با تراکم بالا و سرانه پایین جمعیتی در کلانشهر اهواز به‌شمار می‌رود، مجموع مساحت بافت فرسوده در این محله ۵۱/۴ هکتار برآورد شده است. وضعیت نامناسب برخی خانه‌های مسکونی و قرارگیری آنها در شیب‌های تند و دسترسی سخت به مسیرهای عبور و مرور و همچنین وضعیت نامطلوب زباله‌ها از دیگر مشکلات این محله به‌حساب می‌آید. از نظر تنوع فرهنگی و قومی بیشترین جمعیت این محله را اقوام بختیاری و عرب زبان به خود اختصاص داده ولی به دلیل نابسامانی در مدیریت زمین در گذشته خصوصاً در زمان وقوع جنگ تحمیلی، اقوام مختلفی از سراسر استان و خارج از آن به این محله وارد شدند (کولی‌ها، بندری‌ها و...) و باعث تشدید حاشیه‌نشینی و فقر و اعتیاد و سایر مسایل سوءاجتماعی در آن شدند. محله حصیرآباد از شمال به محله بیست‌متری شهرداری و از شرق به محله منبع‌آب و از غرب به محله آسیاب‌آباد محدود می‌گردد (شکل ۳ و ۴) (حمیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).



شکل (۲). موقعیت هشت منطقه شهری کلانشهر اهواز

منبع: سعیدی پور، ۱۳۹۶



شکل (۳). موقعیت محلات منطقه هفت شهری کلانشهر اهواز

منبع: نگارنده



شکل (۴). معبر اصلی در محله عامری (راست)، میدان در محله غزعلیه (وسط) و واحد مسکونی فرسوده در محله حصیرآباد (چپ)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بر اساس یافته‌های توصیفی از مجموع ۳۷۹ پرسشنامه توزیع شده در محلات سه‌گانه اطلاعات بدست آمده به شرح ذیل می‌باشد. ۷۶/۴ درصد پاسخ دهندگان مرد و ۲۳/۶ درصد زن می‌باشند. ۷۵/۳ درصد آن‌ها متاهل و ۲۴/۷ مجرد. از نظر وضعیت سنی پاسخ دهندگان، ۲۱/۴۸ درصد بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۴۶/۹ درصد بین ۳۱ تا ۴۳ سال، ۹/۳۱ درصد بین ۴۴ تا ۵۶ سال و ۲۲/۳۱ درصد بالای ۵۷ سال بوده‌اند. به لحاظ تحصیلات، ۴۱/۹۵ درصد تحصیلات تا دیپلم، ۳۰/۲۳ درصد فوق دیپلم، ۲۰/۶ درصد لیسانس و ۷/۲۲ درصد هم فوق لیسانس و بالاتر داشته‌اند. همچنین ۶۵/۷ درصد پرسش شونده‌گان در زمان پاسخ بیش از ۲۰ سال در محله خود اقامت داشته‌اند.

در ادامه پژوهش با توجه به اطلاعات پرسشنامه مورد نظر که برای جامعه آماری شهروندان سه محله مورد مطالعه طراحی شده بود و همچنین جواب‌ها در پرسشنامه به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با ضرایب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و گزینه‌های خیلی ضعیف، متوسط، زیاد، خیلی زیاد در نظر گرفته شد و میزان عدد ۳ به عنوان حد متوسط ارزیابی انتخاب شد و میانگین‌های کمتر از آن به عنوان وضعیت نامناسب منظور گردید. برای بررسی عملکرد مسائل اجتماعی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد سه محله مورد مطالعه، پنج مولفه و ۳۶ شاخص بر حسب مطالعات پژوهش انتخاب گردید. در ابتدا به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و مؤلفه‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. فرض صفر به این صورت انتخاب شده است که داده‌ها نرمال باشند. سطح آزمون نیز ۵ درصد در نظر گرفته شد. نتایج تحلیل این آزمون در جداول (۳) تا (۷) نشان داده شده‌است.

جدول (۳). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای شاخص حس تعلق اجتماعی

نام محله	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
خزعلیه	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰۰
حصیرآباد	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰۰
عامری	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰۰

جدول (۴). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای شاخص انسجام اجتماعی

نام محله	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
خزعلیه	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰۱
حصیرآباد	۰/۲۹۲	۰/۰۰۰۱
عامری	۰/۳۲۲	۰/۰۰۰۱

جدول (۵). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای شاخص همیاری اجتماعی

نام محله	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
خزعلیه	۰/۲۸۹	۰/۰۰۰۰
حصیرآباد	۰/۲۹۹	۰/۰۰۰۲
عامری	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰۰

جدول (۶). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای شاخص امنیت اجتماعی

نام محله	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
خزعلیه	۰/۳۳۸	۰/۰۰۰۱
حصیرآباد	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰۰
عامری	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰۰



جدول (۷). نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای شاخص اعتماد اجتماعی

نام محله	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
غزعلیه	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰۰
حصیرآباد	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰۱
عامری	۰/۳۴۶	۰/۰۰۰۲

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول (۳) تا (۷)، مشاهده می‌شود که مقدار سطح معناداری آزمون در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ شده است. پس فرض نرمال بودن داده‌ها رد شده است. بنابراین به منظور بررسی امتیاز مولفه‌ها و شاخص‌های پژوهش و میزان رابطه آن‌ها در سه محله خزعلیه، حصیرآباد و عامری از آزمون ناپارامتری علامت یا نشانه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۸) تا (۱۱) قابل مشاهده است.

جدول (۸). نتایج محاسبه مجموع امتیاز و میانگین مولفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با استفاده از آزمون علامت

میانگین	امتیاز	شاخص / متغیر	مولفه‌ها
۳/۰۱	۳/۳	وضعیت علاقمندی به زندگی در محله	حس تعلق اجتماعی
	۲/۹۶	وضعیت توجه به مسائل محله	
	۲/۹۰	وضعیت رفتار ساکنان در محله (فردی و اجتماعی)	
	۲/۸۸	وضعیت توجه به عناصر هویتی محله (مدرسه، مسجد، میدان و...)	
۲/۹۸	۳/۰۱	وضعیت ارتباط و تعامل همسایگان با یکدیگر	انسجام اجتماعی
	۲/۹۳	وضعیت صمیمیت همسایگان محله	
	۲/۸۱	وضعیت اهمیت قائل شدن برای حل مشکلات یکدیگر	
	۳/۲	وضعیت شرکت در مراسم مختلف همسایگان (جشن، عزا و...)	
۳/۲۱	۲/۹۸	وضعیت وساطت ساکنان محله برای حل اختلافات و درگیری‌های احتمالی در محله	همیاری اجتماعی
	۲/۹۹	وضعیت نهادهای خدماتی در حل مشکلات محله	
	۳/۴۵	وضعیت همیاری و همکاری ساکنان در حل مشکلات محله	
	۳/۴۹	وضعیت اعتقاد به حصول نتیجه به کار گروهی نسبت به کارهای فردی برای حل مشکلات محله	
	۳/۲۶	وضعیت کمک دادن فکری همسایگان به یکدیگر	
	۲/۹۶	وضعیت کمک کردن مالی همسایگان به یکدیگر	
۲/۶۷	۲/۹۸	وضعیت مشارکت مالی در ساخت تاسیسات و تجهیزات برای محله (مدرسه، درمانگاه، مسجد و...)	امنیت اجتماعی
	۳/۳۸	وضعیت مشارکت و تعامل خیرین به محله	
	۲/۵۱	وضعیت برخورد با افراد معتاد، شرور، بزهکار و... در محله	
	۲/۸۳	وضعیت امنیت از حضور در پارک‌های محله	
	۲/۸۱	وضعیت امنیت از پارک کردن اتومبیل در محله	
	۲/۶۳	وضعیت امنیت از خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز	
	۲/۵۹	وضعیت امنیت در مسیرهای خلوت محله به ویژه شب‌ها	
	۲/۵۳	وضعیت امنیت از به همراه داشتن وجه نقد یا وسایل قیمتی در محله	
	۲/۶۶	وضعیت روشنایی معابر	
	۲/۷۱	وضعیت امنیت از رفت و آمد همسایگان به منزل یکدیگر	
۲/۶۹	وضعیت امنیت کودکان و نوجوانان در هنگام بازی کردن در محله		
۲/۵۳	وضعیت سپردن منزل به همسایگان و اقوام در هنگام مسافرت‌های طولانی مدت		

	۲/۷۹	وضعیت برقراری امنیت محله توسط نیروهای انتظامی	
۲/۹۷	۳/۰۱	وضعیت اعتماد به همسایگان	اعتماد اجتماعی
	۲/۸۵	وضعیت پابندی مردم محله به قوانین	
	۲/۶۵	وضعیت رضایت مردم محله از مسئولان شهری	
	۳/۶۹	وضعیت اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	
	۳/۰۴	وضعیت یکی بودن ظاهر و باطن همسایگان	
	۲/۹۶	وضعیت پابندی همسایگان به قول و قرارهای خود	
	۲/۹۲	وضعیت انصاف و امانتداری همسایگان	
	۲/۹۳	وضعیت راستگویی و صداقت همسایگان	
	۲/۷۲	وضعیت مسئولیت‌پذیری مسئولین شهری در حل مشکلات	

با توجه به نتایج تحلیل پرسشنامه‌های پژوهش بوسیله آزمون ناپارامتری علامت/ نشانه و داده‌های بدست آمده در جدول (۸)، مشاهده می‌شود که دو مولفه‌ی حس‌تعلق و همیاری اجتماعی با میانگین ۳/۰۱ و ۳/۲۱ بالاتر از حد متوسط ارزیابی (عدد ۳) قرار گرفته‌اند. ولی سه مولفه‌ی اجتماعی: انسجام و امنیت و اعتماد در محلات مورد مطالعه پایین تر از حد متوسط ارزیابی (عدد ۳) قرار دارند که نشان‌دهنده وضعیت ضعیف در پاسخ به سنجش مولفه‌های مذکور می‌باشد. همچنین در ارزیابی امتیاز ۳۶ شاخص پژوهش تنها ده شاخص امتیاز بالاتر از حد متوسط (۳) بدست آورده‌اند که در بین این ده شاخص، وضعیت اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک با امتیاز ۳/۶۹ بالاترین میزان ارزیابی میدانی را به خود اختصاص داده‌است.

جدول (۹). نتایج آزمون علامت در میزان ارتباط متغیرهای پژوهش در محله غزعلیه

P	Z	انحراف معیار	میانگین	میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله غزعلیه
۰/۰۳۲	۱/۴۷۹	۰/۸۰	۳/۰۴	

با توجه به داده‌های جدول (۹)، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله خزعلیه برابر ۳/۰۴ با انحراف معیار ۰/۸۰ شده است. از سوی دیگر مقدار آماره آزمون ۱/۴۷۹ و سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین با توجه به اینکه میانگین وضعیت متغیرهای پژوهش در محله خزعلیه از متوسط (۳) بیشتر شده است. می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت متغیرهای پژوهش در آن بیشتر به کار برده شده است.

جدول (۱۰). نتایج آزمون علامت در میزان ارتباط متغیرهای پژوهش در محله عامری

P	Z	انحراف معیار	میانگین	میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله عامری
۰/۰۱۵	۱/۹۱۳	۰/۸۹	۳/۱۶	

نتایج آماری ارزیابی مولفه‌های پژوهش در محله عامری با توجه به داده‌های جدول (۱۰)، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله عامری برابر ۳/۱۶ و بیشتر از حد متوسط (۳) شده است. از سویی دیگر مقدار سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین آزمون معنادار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت متغیرهای پژوهش در محله عامری بیشتر به کار برده شده است.

جدول (۱۱). نتایج آزمون علامت در میزان ارتباط متغیرهای پژوهش در محله حصیرآباد

P	Z	انحراف معیار	میانگین	میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله حصیرآباد
۰/۰۳۲	۱/۹۳۶	۰/۶۷	۲/۷۰	



با توجه به داده‌های جدول (۱۱)، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط مجموع متغیرها در محله حصیرآباد برابر ۲/۷۰ و کمتر از حد متوسط (۳) با انحراف معیار ۰/۶۷ شده است. از سوی دیگر مقدار آماره آزمون ۱/۹۳۶ و سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین آزمون معنادار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت متغیرهای پژوهش در محله حصیرآباد کمتر به کار برده شده است.

نتایج کلی آزمون علامت نشان می‌دهد وضعیت بررسی ۳۶ شاخص/ متغیر پژوهش در سه محله مورد مطالعه به ترتیب: محله عامری به نسبت دو محله دیگر وضعیت ارزیابی بهتری در محاسبات آماری از خود نشان داده‌اند. از این رو فرضیه مطرح شده در پژوهش "تایید" می‌گردد.

در ادامه یافته‌ها؛ برای انجام تکنیک MABAC^۱، نیاز به معیار و گزینه وجود داشت، از این رو پنج معیار- مولفه (حس تعلق، انسجام، همیاری، امنیت و اعتماد اجتماعی) و سه گزینه که محلات مورد بررسی بودند (خزعلیه، عامری و حصیرآباد) انتخاب گردید. به منظور بررسی و ارزیابی مولفه‌ها در محلات مورد مطالعه ابتدا پاسخ شهروندان/ ساکنان گردآوری شد و میانگین پاسخ‌ها در نرم افزار اکسل به‌عنوان ماتریس خام وارد گردید. هر کدام از محله‌ها (m) با توجه به تعداد شاخص‌ها (n) معرفی شده‌اند که به شرح جدول (۱۲)، نشان داده شده است.

جدول (۱۲). تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری

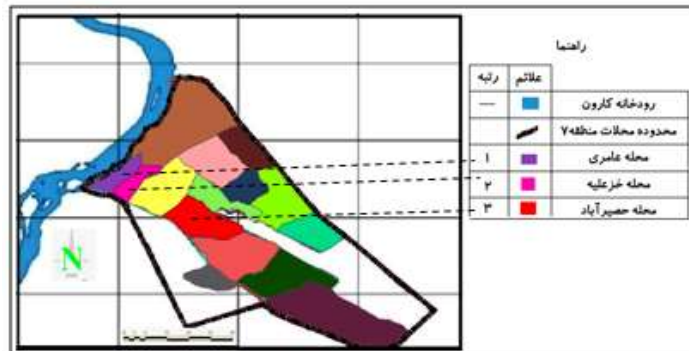
شاخصها (N)					نام محله (M)
اعتماد اجتماعی	امنیت اجتماعی	همیاری اجتماعی	انسجام اجتماعی	حس تعلق اجتماعی	
۲/۹۱	۲/۵۹	۳/۶۴	۲/۹۷	۳/۱۳	خزعلیه
۳/۲۱	۲/۸۴	۳/۲۵	۳/۲۰	۳/۳۰	عامری
۲/۷۹	۲/۵۸	۲/۷۶	۲/۷۷	۲/۶۲	حصیرآباد

با توجه به نتایج نهایی بدست آمده تکنیک ماباک که در جدول (۱۳) نشان داده شده است، رتبه بندی محلات مورد مطالعه از نظر پنج شاخص انتخابی پژوهش به این صورت است: محله عامری با مقدار S_i (مقدار تاثیرگذاری مولفه و شاخص‌ها) ۰/۲۶۰ رتبه اول و به ترتیب محله خزعلیه با مقدار S_i ، ۰/۰۷۹ در رتبه دوم و محله حصیرآباد با مقدار S_i ، -۰/۱۶۴ در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. در روش پژوهش بیان شد که مبنای بررسی؛ دیدگاه شهروندان در ارزیابی مولفه‌ها در سطح محلات نمونه‌برداری شده در کلانشهر اهواز موثر بوده است؛ بنابراین ممکن است مولفه‌های مورد مطالعه، در بعضی متغیرها از نظر بعد عینی باهم متفاوت باشند و عوامل دیگر سبب شده نظر پاسخ دهندگان تفاوت داشته باشد. به طور کلی نظرات پاسخ دهندگان با توجه وضعیت شاخص‌ها که در بررسی میدانی مشاهده شده مطابقت دارد و با شرایط موجود اختلاف چندانی ندارد.

جدول (۱۳). رتبه بندی محلات مورد مطالعه از نظر شاخص‌های انتخابی پژوهش با استفاده از تکنیک ماباک

رتبه	S_i	محلات
۲	۰/۰۷۹	خزعلیه
۱	۰/۲۶۰	عامری
۳	-۰/۱۶۴	حصیرآباد

¹ Multi-Attributive Border Approximation area Comparison - Pamucar and Cirovic, 2015



شکل (۵): موقعیت رتبه بندی محلات مورد مطالعه از نظر شاخص‌های انتخابی پژوهش با استفاده از تکنیک ماباک

بحث و بررسی

طی حدود سه دهه نظریه‌پردازی و اجرای رویکرد بازآفرینی شهری سیر تکامل بازآفرینی شهری از حوزه‌ی توجه به کالبد، به عرصه‌ی تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر یافته است و منجر به ظهور بازآفرینی شهری اجتماع محور گردیده است. رویکردهای متأخر مداخله در بافت‌های ناکارآمد و کم‌برخوردار، در پی تعامل اجتماعی و تأکید بر نقش گروه‌های اجتماعی بوده‌اند. نوشتار پیش‌رو به این مسئله پاسخ داد که از طرفی با توجه به نتایج اقدامات بازآفرینی شهری در نقاط مختلف جهان، اعتماد و مشارکت شهروندان، به عنوان مؤلفه‌ی اثر بخش در موفقیت پروژه‌های بازآفرینی، امری خودجوش نخواهد بود و مستلزم دخالت عوامل متعدد است و این آن چیزی است که سایر مسائل اجتماعی (حس تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) با حضور در فرآیند بازآفرینی قادر به تأمین آن است.

کلانشهر اهواز با مساحت ۳۱۸۰۰ هکتار، به عنوان سومین شهر وسیع کشور دارای بافت فرسوده متعدد در مناطق هشت‌گانه شهری می‌باشد. در کلانشهر اهواز ۳۰ تا ۳۵ درصد از محدوده شهر در محدوده‌های قانونی و تحت عنوان بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیرمجاز شناخته شده است. از ۱۲۴ محله موجود در کلانشهر اهواز بیش از دوازده محله جزء بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری به شمار می‌روند، محلات: زرگان، زویه (در منطقه ۳ شهری)، منبع آب، حصیرآباد، آسیا آباد، عامری، خزعلیه (در منطقه ۷ شهری)، مرکز شهر و فاطمیه-یوسفی (در منطقه یک شهری)، علوی، سیاحی، عین دو (منطقه ۶ شهری) و نهضت‌آباد (لشکرآباد) و رفیش‌آباد (منطقه ۴ شهری) و ملاشیه (منطقه ۵ شهری) و...

امروزه با رشد شهرنشینی، بافت‌های جدید شهرها با شاخص‌های مدرن شکل گرفته و روز به روز به حجم و اهمیت آن افزوده می‌شود. به‌خصوص امروزه با تغییر شیوه‌ی زیستن افراد، حضور عناصر زندگی مدرن و سبک زندگی شهرنشینی، این مسئله اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. با آگاهی از سابقه‌ی ۵۰ ساله‌ی دخالت دولت‌ها در بافت‌های ناکارآمد شهری، امروزه شیوه‌های نوین و متنوع دخالت در بافت‌های شهری مورد توجه دقیق قرار گرفته است. آنچه مسلم است در گذشته و در زمان حال، علت عدم موفقیت در طرح‌های شهری ایران به خصوص طرح‌های احیای بافت‌های فرسوده، کم‌توجهی به عوامل اجتماعی بوده است. در حالی که پیش‌فرض برنامه‌ریزی، مشارکت مردم است. در جهت تحقق اهداف برنامه‌ریزی باید کوشید، تا پس از یکسان‌سازی شرایط زندگی برای ساکنان، آن‌ها به داشته‌های قابل قبولی از زیرساخت‌ها و امکانات شهری دست یابند. ضمن این‌که همواره بایستی به آگاه‌سازی، ارتقای سواد، ایجاد اشتغال و فرهنگ‌سازی توجه شود تا جمعیت موجود، خود نیز در پی تغییر و بهبود محله خویش برآیند و با تأکید بر مشارکت خودجوش در سطح بالا به ایجاد و تداوم بهسازی اجتماعی و سپس کالبدی محله‌ی خویش کمک نمایند.



آنچه که می‌توان در این تحقیق به‌عنوان مساله اصلی در مقایسه با تحقیقات پیشین اشاره کرد؛ هرگونه تغییر در بهبود و اصلاح متغیرهای پژوهش در هر یک از محلات مورد مطالعه از جمله: رفتار اجتماعی و فردی ساکنان، روابط اجتماعی همسایگان، امنیت اجتماعی محله، امکانات خدماتی محله، همیاری و همکاری ساکنان (مشارکت)، اعتماد و اعتقاد ساکنان محله به یکدیگر و به دولت، تعامل نهادهای خدمات رسان با ساکنان محله و... با توجه به شرایط اجتماعی این محلات (تنوع قومی، سواد پایین، طبقات کم درآمد، امنیت نامناسب، آموزش نادرست، زاد و ولد زیاد و...) کاری بسیار سخت و دشوار است. دلایل آن‌هم از دو منظر قابل طرح است. دلیل اول: طبق بررسی‌های میدانی که از طریق مراجعه مستقیم به مردم این محلات و رویت مشکلات و کمبودهای آن‌ها مشاهده شده است (به طور مثال: وضعیت بد محیط کالبدی و اجتماعی و اقتصادی و خدماتی - زیستی محلات مورد بررسی که در برخی محلات شرایط حادثر و در برخی دیگر شرایط کمتر) و گفتگو با آن‌ها و توزیع پرسشنامه و نتایجی که از آن بدست آمده است می‌تواند گواه و تایید موضوع باشد. دلیل دوم: خصوصیات اجتماعی و فرهنگی این محلات و عادت کردن مردم ساکن با این نوع زندگی طی چند دهه گذشته تا به حال که در برابر هر گونه تغییر مقاوت از خود نشان می‌دهند (مثلاً: براساس مشاهدات عینی؛ قسمتی از واحدهای مسکونی در محله حصیرآباد، فاقد سند مالکیت هستند و صاحبان آن‌ها سال‌هاست که با قول نامه مشاور املاک یا غیره در آن ساکن هستند و در اکثر موارد خرید و فروش با همین مدارک انجام شده یا می‌شود، یا مسئله داشتن انشعابات غیررسمی آب و برق در این محلات و رعایت نکردن مسایل بهداشت جمعی و فردی (نگهداری احشام سبک و سنگین در سطح منازل و یا پرسه زدن حیوانات در کوچه و خیابان‌های این محلات و... به نوعی عادت یا فرهنگ غلط شده و تعمیم یافته است).

نتیجه گیری

رشد مساحت کلانشهر اهواز در طی دو دهه اخیر و به طبع آن کم‌توجهی به احیاء بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و رشد سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین، الحاق روستاهای همجوار به شهر و همجواری بافت‌های مسکونی با صنایع نفتی و مناطق نظامی باعث شده است شهر اهواز از مسایلی مانند: آلودگی هوا ناشی از صنایع (صنایع فولاد، شرکت کربن‌سازی، لوله‌سازی و...) آلودگی هوا ناشی از گرد و غبار، آلودگی هوا ناشی از حمل و نقل، زباله‌های خانگی، کاهش فضای سبز، آلودگی آب، ضایعات صنعتی و آلودگی صوتی رنج می‌برد. در نهایت اگر نتوان امروزه به مدیریت شهری توجه کرد، شهرهای ما هر روز به قهقرا رفته و نه تنها مسایل و مشکلات شهری خود را نخواهند توانست حل کنند، بلکه هر روز بر بحران آسیب‌های اجتماعی به سبب تشدید فاصله طبقاتی و منابع محدود توسعه، افزوده خواهد شد و مردم شهرها هر روز بیش از پیش فقیر و فقیرتر شده و از چرخه توسعه پایدار باز خواهند ماند. سکونتگاه‌های خودرو و بافت‌های فرسوده گسترش یافته و شهرسازی اندیشیده و طراحی شده هر روز محدود و محدودتر خواهد شد و به تبع آن همه عوارض آن شهرها را در بر گرفته و اسباب تشدید کمبود سرانه‌های خدماتی و به دنبال آن باعث کاهش آرامش و آسایش شهرها، آلودگی هوا و تخریب محیط زیست خواهند شد. آب آشامیدنی بهداشتی به سختی تامین خواهد شد و در نهایت تاب آوری شهرها از بین خواهد رفت.

با توجه به نتایج تحلیل پرسشنامه پژوهش بوسیله آزمون ناپارامتری علامت/ نشانه و داده‌های بدست آمده مشاهده گردید: دو مولفه‌ی حس‌تعلق و همیاری اجتماعی با میانگین ۳/۰۱ و ۳/۲۱ بالاتر از حد متوسط (عدد ۳) قرار گرفته‌اند. ولی سه مولفه‌ی اجتماعی: انسجام و امنیت و اعتماد در محلات مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند که نشان دهنده وضعیت ضعیف در پاسخ به سنجش مولفه‌های مذکور می‌باشد. همچنین در ارزیابی امتیاز ۳۶ شاخص پژوهش، تنها ده شاخص امتیاز بالاتر از حد متوسط (۳) بدست آورده‌اند که در بین این ده شاخص، وضعیت اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک با امتیاز ۳/۶۹ بالاترین میزان ارزیابی میدانی را به خود اختصاص داده است. همچنین برای بررسی نتایج آماری ارزیابی مولفه‌های پژوهش در هر محله، مشاهده گردید: محله عامری با میانگین ضریب تاثیر ۳/۱۶ در مجموع پنج مولفه‌ی انتخابی پژوهش به نسبت دو محله‌ی دیگر بیشتر بوده است. نتایج حاصل از تکنیک ماباک، نشان می‌دهد محله عامری با مقدار SI (مقدار تاثیرگذاری مولفه و شاخص‌ها) ۰/۲۶ در رتبه اول و به ترتیب محله خزعلیه و حصیرآباد با ۰/۰۷۹ و ۰/۱۶۴- در رتبه‌های دوم تا سوم از نظر ۵ شاخص انتخابی پژوهش قرار گرفته‌اند.

مقایسه نتایج ارزیابی‌ها در پژوهش حاضر بیانگر این است که شاخص‌های اجتماعی همیشه در روند احیاء بافت‌های فرسود موثر واقع شده‌اند (خزایی و رضویان، ۱۳۹۸؛ هدایتی‌مرزبانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱). اما توجه به موقعیت و متفاوت بودن محلات از حیث بومی و محلی و قومی و در نتیجه شکل‌گیری مسایل اجتماعی متعدد که قبلاً اشاره گردید می‌تواند نقش مهمی در به تاخیر انداختن احیاء بافت‌های فرسوده این محلات ایفا کند. در حقیقت این پژوهش نشانگر این موضوع است که قابلیت تاثیرگذاری هر یک از شاخص‌های پژوهش با توجه به ظرفیت و مکان مورد مطالعه، متغیر و حتی حذف شدنی می‌باشند. از سویی دیگر در ارزیابی شاخص‌ها به نسبت پژوهش‌های پیشین که کمتر مورد توجه واقع شده، این پژوهش بدان‌ها به دید عمیق‌تری نگاه کرده است.

پیشنهادهایی که می‌توان با توجه به نتایج در خصوص بهبود موضوع ارائه داد بدین شرح می‌باشد:

- برگزاری جلسات هماهنگی و همکاری برای ارائه بهتر برنامه‌های مشترک در زمینه بهسازی بافت‌های فرسوده.
 - تعیین تکلیف اسناد مالکیت برخی واحدهای مسکونی در این محلات.
 - تهیه یک نقشه مدون و مشخص برای هر محله با رعایت و در نظر گرفتن معذوریت‌های بومی و محلی و قومی.
 - اولویت‌بندی در اجرای احیاء بافت‌های ناکارآمد.
 - بازآفرینی اعتماد بین ساکنان این بافت‌ها با نهادهای مجری احیاء بافت زیرا در اکثر مواقع بدعهدی یا به تاخیر انداختن تعهدات (وام بانکی و ارائه سایر تسهیلات و...) باعث شده ساکنان در برابر هر گونه طرحی از خود مقاومت نشان دهند.
 - تخصیص بودجه و چگونگی نظارت بر پرداخت آن. زیرا در طی این تحقیق در محله عامری مشاهده گردید یکسری از ساکنان از وام بافت فرسوده استفاده کرده اند ولی متأسفانه ضعف نظارت باعث استفاده در مصارف غیر بوده است.
 - ایجاد انگیزه‌های تشویقی بین ساکنان (مثلاً اختصاص پروانه تغییر کاربری تجاری رایگان به برخی از واحدهای مسکونی که در این بافت‌ها شرایط و موقعیت مکانی مناسب دارند (مثلاً در حال حاضر یک تعداد واحد مسکونی در محله عامری وجود دارند که با تعریض خیابان توسط شهرداری منطقه ۷ شرایط مناسبی برای کاربری تجاری پیدا کرده‌اند) خیابان نهج البلاغه فعلی در قسمت شرقی پل هفتم) و...
- انجام این اقدامات بدون وجود یک مدیریت کارا و اثر بخش امکان پذیر نمی‌باشد. مدیریتی در کلانشهر اهواز اثربخش است که دارای ثبات باشد و تغییر مدیریتی کمتر اتفاق بیفتد، فساد کاهش یابد و شفافیت در امور وجود داشته باشد.



منابع

- آقای زاده اسماعیل؛ حسام مهدی؛ محمدزاده ربابه. (۱۳۹۸). بررسی سرمایه اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شهری در بافت‌های مسئله‌دار شهری - نمونه: شهر رشت، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۶(۱۹): ۱۶۷-۱۴۵.
- احمدی مارال؛ عندلیب علیرضا؛ ماجدی حمید؛ سعیده زرآبادی زهرالسادات. (۱۳۹۸). تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری، فصلنامه دانش شهرسازی، ۳(۲): ۴۹-۶۳.
- امان‌پور سعید؛ سجادی‌نیکو فرهاد. (۱۳۹۶). تعیین مولفه‌های ایمنی در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت مرکزی کلانشهر اهواز). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۶(۲۱): ۷۴-۵۹.
- آلبوغیبش داود؛ شوچی جعفر. (۱۳۹۳). برنامه ریزی راهبردی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله جوادیه منطقه ۱۶ تهران)، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، ۱۳(۴): ۵۴-۴۳.
- پاک‌سرشت سلیمان؛ رضایی ریحانه. (۱۳۹۲). ارزیابی پیامدهای اجتماعی نوسازی بافت فرسوده در محله‌ی اتابک، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۳): ۱۴۱-۱۰۷.
- پوراحمد احمد؛ حبیبی کیومرث؛ کشاورز مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، ۱(۱): ۹۲-۷۳.
- پوراحمد احمد؛ کشاورز مهناز؛ علی‌اکبری اسماعیل؛ هادوی فرامرز. (۱۳۹۶). بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری مورد مطالعه (منطقه ۱۰ شهری تهران)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۰(۳۷): ۱۹۴-۱۶۷.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۹۶). مرمت شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- حمیدی‌پور، زینب؛ رستگاران، افسانه؛ سواری، منصور؛ سیاحی، عاشور؛ مرادی، پوریا. (۱۳۹۶). گزیده اطلاعات مناطق، نواحی و محلات شهر اهواز، اهواز: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری کلانشهر اهواز.
- حیدری محمدتقی؛ مشکینی ابوالفضل؛ احدنژادروشتی محسن. (۱۳۹۷). بازیافت زمین در بافت‌های فرسوده با رویکرد تامین نیاز مسکن شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)، فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۸(۶۱): ۲۴-۱.
- حیدری محمدتقی؛ انبارلو علیرضا؛ رحمانی مریم؛ طهماسبی‌مقدم حسین. (۱۳۹۹). پایش زیست‌پذیری اجتماعی در مناطق فرسوده شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۳(۷۳): ۱۵۵-۱۲۱.
- خزایی مصطفی؛ رضویان محمدتقی. (۱۳۹۸). بافت فرسوده، فرصت یا تهدید مدیریت شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده شهر دماوند)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۲(۴۶): ۱۲۵-۱۰۱.
- رزاقی‌اصل سینا؛ خوشقدم فرزانه. (۱۳۹۶). سنجش عوامل بهبود پایداری اجتماعی در بازآفرینی از منظر ساکنان (مطالعه موردی: محله شیوا تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۶(۲۲): ۷۴-۵۹.
- رضایی محسن؛ مظلومی سحر. (۱۳۹۸). بررسی اندیشه‌های جهانی در شیوه مداخله در بافت مسکونی کم‌برخوردار در داخل شهر؛ با مقایسه دو محله در ایران و اسپانیا، فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۲(۳): ۶۸-۵۳.
- سجادی ژیلا؛ پورموسوی سیدموسی؛ اسکندرپور مجید. (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر مشارکت مردمی (مورد: محله دولا ب تهران)، فصلنامه آمایش محیط، ۴(۱۴): ۱۶۴-۱۴۳.
- سجادی ژیلا؛ مشکینی ابوالفضل؛ حمیدی حمیدرضا. (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی - فضایی بافت‌های فرسوده شهری در راستای احیاء و پیشگیری از فرسودگی بیشتر - مطالعه موردی محله دباغ‌های زنجان، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۷(۵): ۲۱۳-۱۷۳.

- شاطریان محسن؛ اشنوبی امیر؛ گنجی‌پور محمود. (۱۳۹۱)، سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت‌قدیم شهر آران‌و‌بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۴(۱۳): ۱۴۴-۱۲۷.
- شیخ‌بیگلر رنا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ثبات سکونت در شهرها و محله‌های شهری (مطالعه موردی: شهر اراک)، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۳): ۱۷۲-۱۵۱.
- شیرینی بهروز؛ معروف‌نژاد عباس. (۱۳۹۷). بررسی منظر اجتماعی بافت ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: کوی نهضت‌آباد کلانشهر اهواز)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۱(۴۳): ۲۵۲-۲۳۵.
- فتحی سروش؛ میرساردو طاهره؛ بهرامی‌ثابت حسین. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر فرهنگ توسعه بر مشارکت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان مناطق یک، ده و بیست شهر تهران)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴(۱۳): ۱۶۶-۱۳۵.
- فیروزی محمدعلی؛ سجادیان ناهید؛ صحرایی سنا. (۱۳۹۱). ساماندهی بافت‌های فرسوده در راستای توسعه درون‌زا و پایدار شهری (مطالعه موردی: کوی یوسفی اهواز)، فصلنامه چشم‌انداز زاگرس، ۴(۱۳): ۱۳۰-۱۱۵.
- مشکینی ابوالفضل؛ پورطاهری مهدی؛ نوروزی مصطفی. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های ذهنی کیفیت محیط در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله آبکوه مشهد)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۰(۵۸): ۲۷۹-۲۵۹.
- موحد علی؛ مسعودی‌راد محمد. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی برای توانمندسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: محله نهضت‌آباد اهواز». اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مشهد ۲۰ و ۲۱/۹/۱۳۸۷). ۱۶-۱.
- موسوی میرنجف؛ حیدری حسین؛ باقری کشکولی علی. (۱۳۹۱). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مطالعه‌ی موردی شهر سردشت، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، ۴(۱۵): ۱۲۲-۱۰۵.
- نخعی مهدیه؛ بندریان اسفندیار؛ پناهی عزت. (۱۳۹۸). بررسی نقش کنشگران دخیل در فرایند نوسازی بافت فرسوده شهری منطقه ۱۲ تهران، فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۹(۶۸): ۵۸-۲۷.
- نیازی محسن؛ روحی مریم. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سبک‌زندگی ساکنان بافت‌قدیم و جدید در شهر کاشان، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶(۲۰): ۴۸-۳۷.
- هدایتی‌مرزبالی معصومه؛ مقصودی‌تیلکی محمد جواد؛ زارعی مهسان. (۱۳۹۸). ارزیابی کیفیت دسترسی محلات مسکونی بر روابط اجتماعی و سلامت ساکنین (مورد مطالعه: پنانگ مالزی)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۲(۴۴): ۲۲۳-۲۰۰.
- Aluko, J.T., Gbadegesin, B.T., (2010), heprogramme of Urban Renewal for Sustainable Urban Development in Nigeria ,Issues and Challenge, Pakistan Journal of Social Sciences, 7(3): 244-253.
- Bae, J.H., Kim, J.H., (2014), China's Strategic Environment and External Relations in the Transition Period, Korea, Institute for National Unification, 133p.
- Bertolini, L., (2005), Sustainable urban mobility, an evolutionary approach, European spatial Research and Policy, 12(1): 109-126.
- Dragan, P., Goran, C., (2015), The Selection of Transport and Handling Resources in Logistics Centers Using Multi-Attributive Border Approximation area Comparison (MABAC). Journal Expert Systems with Applications, 24 (6): 3016-3028.
- Edmond, C.M. Ho., (2012), Renewing the urban regeneration approach in Hong Kong, Discovery-ss student E-journal, College of Liberal Arts and Social Sciences, Hong Kong, 1(2012): 110-139
- Kim, J. Y., (2015), Urban Regeneration Utilizing Art: A Case Study of the Samlye Art Village, Korea, International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering, 10(11): 337-342.



- Wang, w.ch., Lin, Ch.H., Chu, Y.ch., (2011), Types of Competitive Advantage and Analysis, International journal of Business and Management, 6(5): 100-104.